

روش و بینش در کتاب روضه الواعظین و بصیره المتعظین

سید محمد رضا عالمی^۱ علی بیات^۲

چکیده

شیعیان در قرن‌های متقدم کتاب‌های مهمی در سیره پیامبر (ص) و ائمه معصومان (ع) نگاشته‌اند که در دوره‌های بعد بارها مورد استناد و استفاده قرار گرفته و از شهرت درخوری برخوردارند، اما در این نوشتار به کتابی در سیره نگاری امامیه پرداخته می‌شود که تأثیرات پر باری را فرهنگ و آموزه‌های شیعیان داشته است اما آن چنان مورد توجه کتاب‌های سیره نگاشته شده پس از آن واقع نشده است. در این مقاله به روش توصیفی و تحلیلی ابتدا به محتوای کتاب اشارتی می‌رود و آنگاه به بررسی روش و بینش در این کتاب پرداخته می‌شود. به نظر می‌رسد که روش غالب در این کتاب بر اساس روش روایی است که در دوره نگارش این کتاب رواج فراوانی داشته است اما بینش در این کتاب بینش تربیتی است که در بین کارهای مشابه زمان خویش یکتاست و نشانه‌های تأثیرگذاری آن بر جامعه اسلامی و شیعی تاکنون نیز بسیار مشهود است.

واژگان کلیدی

سیره، روضه الواعظین، فتال نیشابوری، روش در سیره نگاری، بینش در سیره نگاری.

^۱ - دکتری تاریخ تمدن اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه؛ smr.alemi@gmail.com

^۲ - عضو هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه تهران.

مقدمه

این کتاب نوشته ابوجعفر محمد بن حسن فتال نیشابوری است (ابن شهرآشوب، ۱۵۱) که از مفسران و متکلمان و واعظان مشهور شیعه امامی در قرن پنجم بوده که در برخی از کتاب‌ها با کنیه ابوعلی و لقب ابن الفارسی نیز از او یاد شده است. بنا بر روایتی که ابن شهرآشوب (۵۸۸ ق) از فتال و پدرش که هر دو آن را از سید مرتضی (۴۳۶ ق) شنیده‌اند، بیان می‌کند، فتال به یقین در حول و حوش سال‌های ۴۲۰ ق به دنیا آمده است که این روایت را از سید مرتضی شنیده و نقل کرده است. بنا بر گفته ابن شهرآشوب (متولد ۴۸۹ ق) در معالم العلماء، وی هنگام قتل فتال ۱۹ ساله بوده، بنابراین فتال متوفی ۵۰۸ ق بوده است. فتال که از علمای بنام شیعه در دوان خویش بود، از شیخ طوسی (۴۶۰ ق) نیز استفاده کرده است. فتال علاوه بر روضه الواعظین کتابی در تفسیر به نام «التنویر فی معانی التفسیر» و همچنین کتابی به نام «مونس الحزین» داشته که اکنون باقی نیست؛ البته ابن شهرآشوب در مناقب، از این کتاب استادش، یکی از مناقب امام حسن مجتبی (ع) را نقل کرده است. از فتال با لقب شهید نیز یاد شده است زیرا ایشان در سال ۵۰۸ ق به دستور شهاب الاسلام، خویشاوند نزدیک و یا برادرزاده خواجه نظام الملک طوسی که در سال ۵۱۱ یا ۵۱۳ به وزارت سلجوقیان رسید، به قتل رسید؛ به نظر او قبل از وزارت فتوا به قتل فتال داده زیرا ظاهراً ریاست مذهبی نیشابور با او بوده است. قتل ایشان در نیشابور واقع شده و در جلو قبرستان حیره نیشابور مدفون گشته است. (حاکم نیشابوری، ۱۵۲)

۱. محتوای کتب روضه الواعظین

کتاب روضه الواعظین که ساختاری ساده دارد، شامل ۹۷ مجلس است که می‌توان آن را در دو دسته اصول (شامل توحید، نبوت، امامت و معاد) و فروع دین (و اخلاقیات) تقسیم‌بندی کرد. سه مجلس اول درباره ماهیت عقل، معرفت خداوند و شگفتی‌هایی که دلالت بر بزرگی خداوند متعال دارد، می‌باشد. سه مجلس بعدی به مقام نبوت و تاریخ و سیره پیامبر (ص) پرداخته است. در مجالس هفتم تا یازدهم به تاریخ، سیره و فضایل امیرالمؤمنین (ع) پرداخته است.

یکی از برجستگی‌های موضوعی این کتاب آن است که فتال قبل از شروع در تاریخ و سیره بقیه ائمه (ع) به تاریخ زندگانی و سیره ابوطالب و فاطمه بنت اسد در مجلس دوازدهم پرداخته و پس از آنکه گفته: «طایفه حقه شیعه در این مورد اتفاق دارند که ابوطالب و عبدالله و آمنه مؤمن بوده‌اند و این اجماع و اتفاق یکی از دلایل ایمان آنان است»، (فتال نیشابوری، ۱۵۵) به ذکر روایات فراوان برای اثبات ایمان ابوطالب و همچنین همسرش فاطمه بنت اسد پرداخته است. چهار

مجلس را به حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها اختصاص داده است و در آن‌ها تولد، ازدواج، مناقب آن حضرت و وفات ایشان را ذکر کرده است. از مجلس هفدهم تا مجلس ۳۱ قتال به تاریخ و سیره یازده امام دیگر پرداخته و فقط در این بین مجلس ۲۹ را به نرجس خاتون مادر امام زمان (عج) اختصاص داده است. در مجلس سی و دوم به مناقب آل محمد (ص) پرداخته و در ادامه در مجالس بعدی به ترتیب به سلمان فارسی، ابوذر غفاری و بیان فضایل اصحاب پیامبر (ص) و ذکر مناقب اصحاب ائمه (ع) را آورده است. در مجلس ۳۷ و ۳۸ به ترتیب به بیان فضایل شیعه و امت محمد (ص) پرداخته است.

در بقیه کتاب روضه الواعظین از مجلس ۳۹ تا پایان کتاب به فروع دین^۱ و امور اخلاقی^۲ پرداخته است. این قسمت که بیش از نیمی از کتاب را تشکیل می‌دهد هرچند عنوان و نام مجالس به مسائل دینی و اخلاقی مسمما شده است اما به گونه‌ای در آن‌ها دسته‌بندی روایات و سیره معصومین (ع) صورت گرفته و محتوای این مجالس ترکیبی از روایات و تاریخ و سیره نقل شده از ایشان است و محتوایی جز روایات و سیره ائمه معصوم (ع) ندارد.

یکی از برجستگی‌های موضوعی این کتاب، همانا ذکر تاریخ و سیره و فضایل برخی از صحابه مورد توجه شیعیان مانند سلمان فارسی (۳۴ ق) و ابوذر غفاری (۳۲ ق) و برخی دیگر از صحابه است. صحابه نگاری در ابتدا خود جزو سیره نگاری محسوب بود و پس از سیره نگاری پیامبر (ص) در میان اهل سنت به شاخه‌ای جدا به عنوان صحابه نگاری تبدیل شد. صحابه نگاری اما در بین شیعیان چندان مورد توجه واقع نشد زیرا شیعه با رویکردی انتقادی به عملکرد تاریخی صحابه مشهور و بانفوذ می‌نگریست. شیعیان برخلاف اهل سنت، در باب اخذ سنت پیامبر (ص)، بهترین راه را از طریق اهل بیت پیامبر (ص) که عالم‌ترین و آشناترین مردم به سنت ایشان بودند و اصحاب راستین آن حضرت می‌دانستند، درحالی که اهل سنت، روش اخذ سیره پیامبر (ص) را با تمسک به «عدالت کل صحابه» پیش برده و روایت‌ها و گزارش‌های صحابه از پیامبر (ص) و

^۱ - مانند نماز، روزه، حج، جهاد، زکات، امر معروف و نهی از منکر

^۲ - امانت‌داری، حسن خلق، فروتنی و عدم تکبر، سخاوت و نکوهش بخل، در حقوق همسایه برادر و نزدیکان، فضیلت صبر، خیرخواهی و حسد، توکل، زهد و پرهیزکاری، مال و فرزند، سلام، در مذمت باده و ربا، در حیا، در باره قتل و زنا، ظلم، در صداقت و راستی، توبه و مسایل مربوط به قبر و قیامت و بهشت و شفاعت و صراط و ...

افعال خود صحابه را کاشف از فعل نبی (ص) می‌دانستند. این اختلاف در طریق اخذ سنت نبی (ص) بین شیعه و سنی، به اختلافی دامنه‌دار تبدیل شد که توجه شیعه را به سیره اهل بیت پیامبر (ص) دوچندان و توجه اهل سنت را در صحابه نگاری افزایش چشمگیری داد. البته این توجه اهل سنت به صحابه نگاری برخلاف شیعیان، به این معنا نیست که شیعیان به صحابه نگاری اقبالی نشان نداده‌اند بلکه به عقیده برخی (رک: هدایت پناه، ۷۵) از نظر تاریخی کهن‌ترین متن در صحابه نگاری مربوط به عبیدالله بن ابی رافع (ح ۸۰ ق) از نخستین مؤلفان شیعی (ابن شهر آشوب، ۳۸) با عنوان «تسمیه من شهد مع امیرالمومنین (ع) الجمل و صفین و النهروان من الصحابه» است و پس از ایشان کتاب‌هایی به همین مضمون^۱ توسط ابو منذر هشام بن محمد کلبی (۲۰۵ ق) را می‌توان نام برد. کتاب عبیدالله بن ابی رافع (ح ۸۰ ق) خود تأثیر شگرفی بر صحابه نگاران مطرح اهل سنت گذاشته است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کتاب الصحابه ابوجعفر محمد به عبدالله مطین (۲۹۷ ق)؛ کتاب الصحابه باوردی (۳۰۱ ق)، المعجم الکبیر ابوالقاسم سلیمان بن احمد طبرانی (۳۶۰ ق)، الاستیعاب فی معرفه الاصحاب ابن عبدالبر (۴۶۳ ق)، اسد الغابه فی معرفه الصحابه ابن اثیر (۶۳۰ ق) و الاصابه فی تمییز الصحابه ابن حجر عسقلانی (۸۵۲ ق) داشته است که برخی از محققان معاصر نحوه و تسلسل این تأثیر را پیگیری کرده‌اند. (رک: هدایت پناه، ۷۸-۹۸)

ذکر سیره و تاریخ و فضایل صحابه در کتاب‌های سیره شیعیان، آن‌هم در کنار سیره پیامبر (ص) و ائمه (ع) توسط فتال نیشابوری، خود نقطه بارزی در توجه به سیره این صحابه بزرگوار در نزد شیعه در اواخر قرن پنجم قمری است و به‌خوبی توجه شیعه را در این زمان به تعدادی از صحابه کرام نشان می‌دهد. در بین این صحابه به نظر می‌رسد که به ترتیب سلمان فارسی (۳۴ ق) و ابوذر غفاری (۲۳ ق) جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند که فتال مجالسی را به ایشان و تاریخ و سیره آنان اختصاص داده است؛ (فتال نیشابوری، ۳۰۱ و ۳۰۵) او سپس در مجلس بعدی در ضمن بیان فضایل اصحاب به افرادی چون مقداد، عمار، حذیفه، صهیب رومی، بلال حبشی، خباب بن ارت، عبدالله بن مسعود اشاره می‌کند و روایاتی را در فضایل ایشان نقل می‌کند. (فتال نیشابوری، ۳۰۶-۳۰۷)

^۱ - کتاب من شهد الجمل مع علی من الصحابه، کتاب من شهد صفین مع علی من الصحابه، کتاب من شهد صفین مع علی من البدیین، کتاب من شهد صفین مع علی من الانصار. (آقابزرگ طهرانی، ۲۲: ۲۲۸-۲۲۹)

۲. روش در روضه الواعظین و بصیره المتعظین

در بین کتاب‌های سیره نگاشته شده توسط سیره نگاران امامی سه روش را می‌توان تا پایان قرن هفتم هجری رصد کرد که شامل روش روایی، ترکیبی و تحلیلی هست. تاریخ‌نگاری اسلامی در آغاز شکل‌گیری خویش بر اساس دو بن‌مایه اصلی روایات دینی و روایات قبیله‌ای پدید آمد و روایات دینی و روش روایی تا قرن‌ها در سنت تاریخ‌نگاری اسلامی و به‌خصوص سیره نگاری چه در نزد شیعه و چه اهل سنت باهدف حفظ و انتقال شفاهی سیره و بعد مکتوب کردن قول، فعل و تقریر رسول خدا (ص) و صحابه در نزد اهل سنت و رسول خدا (ص) و امامان معصوم (ع) نزد شیعیان، روش غالب مرسوم و جاری و ساری بود. در این روش سیره نگار با در نظر داشتن پیش‌فرض‌هایی برای رسیدن به اهداف خویش با مراجعه به منابع شفاهی و کتابی، به ذکر روایات مختلف درباره حوادث و رویدادهای تاریخی می‌پردازد و سلسله اسناد خویش را به‌طور کامل و یا ناقص بیان می‌کند. در این روش یکدستی و یکپارچگی در گزارش‌های تاریخی به چشم نمی‌خورد و بعضاً روایات منفرد و مستقل از هم در ذیل عنوان واحد ثبت و ضبط می‌گردد. درباره نحوه شکل‌گیری این روش سیره نگاری معمولاً دو دیدگاه وجود دارد؛ در دیدگاه اول بیان می‌شود که سیره از ابتدا تا اوایل قرن دوم هجری که ممنوعیت کتابت وجود داشت، به‌صورت شفاهی نقل می‌شد و هنگامی که از این زمان به بعد اقدام به کتابت آن‌ها شد، اولین مجموعه‌های حدیثی که همانا سیره بودند به وجود آمدند و راویان اخبار سیره به‌عنوان اولین کاتبان و تدوین گران سیره مطرح گردیدند؛ درواقع سیره نگاری با آغاز کتابت حدیث به وجود آمد و تحول روش نقل شفاهی به کتابی با شکل‌گیری سیره نگاری همزمان بود.

نظر دیگر بر آن است که روایات مربوط به سیره از همان ابتدا نگارش شده‌اند؛ در این جهت برخی از محققین معتقدند که نگارش سیره و مغازی از عصر تابعین آغاز شده و آثار آن‌ها که در کتاب‌های بعدی پراکنده شده است، وجود داشته و مکتوب بوده است و کتاب‌های پس از آن‌ها که امروزه نیز وجود دارند، از منابعی مکتوب اخذ شده‌اند. (سجادی و عالم زاده، ۳۸) شکل کلی سیره نگاری در بین مسلمین به همین صورت بود و شیعیان امامی نیز همنوا با دیگران برای اولین بار که به نگارش سیره پرداختند از همین شیوه اولیه پیروی کردند و اولین کارهای سیره در بین امامی مذهب‌بان به همین روش نگاشته شده‌اند؛ به نظر می‌رسد که این نحوه نگارش و ضبط، نشانگر نوعی تقدس و بیان صداقت عمیق از سوی سیره نگاران را به مخاطب القا می‌کرد.

کتاب محمد بن حسن فتال نیشابوری (۵۰۸ ق) را می‌توان یکی دیگر از کتاب‌های سیره

دانست که به روش روایی نوشته شده است. فتال همان طور که در مقدمه بیان داشته است این کتاب را برای عامه مردم نوشته و جنبه واعظ بودن فتال نیز در آن بسیار مشهود است؛ لذا ضرورتی برای ذکر سلسله سند کامل روایات احساس نکرده و فقط مصدر روایت را که به امام (ع) و پیامبر (ص) و یا بزرگی ختم شده، ذکر نموده که آن هم جنبه اقناع برای خواننده و شنونده داشته است.

خود فتال در مقدمه خویش درباره روش کارش در این کتاب گفته است که: «من به خواست خداوند متعال در هر مجلس، نخست گفتار الهی را نقل می‌کنم و سپس اخبار نقل شده از پیامبر (ص) و ائمه (ع) را بیان می‌کنم و اسناد آن را حذف کردم زیرا برای اخبار معروف و رایج بیان اسناد ضروری نیست». (فتال نیشابوری، ۵)

درواقع فتال شهرت روایی را مبنای منقولات و کتاب خود قرار داده است. او تا حد ممکن به این روش خود، پایبند بوده اما در برخی موارد چنین عمل نکرده است؛ به طور مثال او هنگام بیان تاریخ و سیره هر یک از ائمه (ع)، در ابتدای هر مجلس، به جای ذکر آیات، در طی چند جمله به صورت ترکیبی و بدون نقل روایت و یا منبع سخن خویش، به معرفی و بیان مختصر زندگی و مقام آن حضرت (ع) بر طبق مشهورات و آنچه در بین شیعیان مورد قبول بوده، اشاره کرده است و سپس به روایت‌های وارد شده درباره مقام و زندگی آنان پرداخته است. (فتال نیشابوری، ۲۲۳، ۲۲۹، ۲۳۴)

آنچه در بیان روش و سبک نگارش این کتاب که ذهن فتال را نیز مشغول داشته و از آن بیمناک بوده، آن است که او را با صفت حشوی مذهب بخوانند؛ به همین خاطر، هم در مقدمه خویش و هم در آخر کتاب به این مطلب اشاره کرده و توضیحاتی درباره آن داده است؛ فتال در مقدمه برای جلوگیری از این تصور خوانندگان آورده است که:

«اگر خبری در این کتاب آمده است که ظاهرش به مذهب حشو و اختلاط شبیه باشد، لازم است خواننده در آن تأمل و دقت کند و بیندیشد، اگر تأویل آن را بفهمد معنی آن را خواهد دانست و اگر معنای آن برایش روشن نشد، باید به کسی که معنی آن را می‌داند، مراجعه کند تا منظور را دریابد که گفتار و سخن پیامبر (ص) و ائمه علیهم‌السلام همچون گفتار خداوند متعال خالی از متشابه نیست و باید به کسی که عالم و دانا و ورزیده و آگاه به اصول و فروع دین و لغت و اعراب است، مراجعه کرد تا مراد آن سخن آشکار شود و باید دانست که میان گفتار خداوند متعال و گفتار پیامبر (ص) و ائمه (ع) تناقضی نیست و فقط حشوی و کم مایه در علم چنین

کند.» (همان، ۵)

در پایان کتاب نیز این دغدغه خود را تکرار کرده و بیان می‌دارد که:

«بسیاری از اخبار و روایات ظاهرش برخلاف حق و از حشوها به نظر می‌رسد و لازم است خواننده درباره آن تأمل و دقت کند و آن را به طریقی که موافق با اصول و دلایل عقلی است، توجیه کند و من در این کتاب هر خبری را آوردم هرچند در ظاهر حشو و سست به نظر برسد، به معنی آن آگاه بودم ولی از شرح و توضیح معنای آن به دلیل بیم از طولانی شدن کتاب، خودداری کردم و سزاوار است که کسی تصور نکند که من حشوی مذهبیم و امور را با یکدیگر می‌آمیزم و خدای را شکر که من مردی محقق هستم.» (همان، ۵۸۸)

فتال در سراسر کتاب خویش به هیچ منبع مکتوب و هیچ سلسله سندی اشاره نمی‌کند و در مقدمه و یا آخر کتاب نیز حتی به صورت تلویحی به منابع خود نمی‌پردازد و تنها به این توضیح و دلیل بسنده می‌کند که اخبار رایج و معروف نیازی به ذکر اسناد ندارند؛ (همان، ۵) شاید یکی از دلایل اصلی نه‌چندان مطرح شدن کتاب فتال در مجامع علمی شیعه و عدم استناد زیاد به آن، همین نوع برخورد فتال با منابع باشد که کار استناد علمی به آن را سخت می‌کند.

روشی که در سبک نگارش این کتاب نیز بسیار متبلور است همانا سبک موعظه و سخنرانی است که بیشتر برای اقناع مردم عامی به کار رفته و شاید تا حدی بسیار خود فتال نیز به دنبال طرح این کتاب در مجامع علمی نبوده و مقصد همان اقناع مردم در مجالس و یا استفاده وعاظ از آن بوده است؛ محققان معاصر نیز -جز آنان که در مقدمه چاپ کتاب به ترجمه فتال پرداخته‌اند- در مورد کتاب روضه الواعظین مطلب تحقیقی قابل توجه انجام نداده‌اند که بتوان آن را پیشینه مطالعه در باره این کتاب دانست؛ البته از آنجاکه این گونه کتاب‌ها به شدت مورد نیاز طبقه وعاظ در زمان‌های گوناگون بوده است و همیشه به دنبال مطالب جمع‌وجور و ساخته‌وپرداخته برای هر جلسه سخنرانی و وعظ بوده‌اند، سبک و روش این کتاب تا قرن‌های اخیر نیز مورد توجه وعاظ قرار گرفته و کتاب‌های بسیاری به این روش و سبک که آنان نیز بیشتر برگرفته از سخنرانی‌های وعاظ معروف هر دوره است، تألیف و به چاپ می‌رسد و مورد اقبال نیز واقع می‌گردد، اما این کتاب‌ها به عنوان یک مرجع علمی قابل استناد مطرح نمی‌شوند؛ کتاب فتال را نیز باید از اولین و قدیمی‌ترین کتاب‌های از این دست در میان امامیه دانست که هرچند مورد استناد علمی چندانی واقع نشده است و اگر شده به واسطه قدمت و تقدم زمانی آن است اما روش و سبکی که وی در این گونه آثار به کار برده، به شدت کاربردی است، مورد توجه فراوان واقع شده است و خواهد شد.

۳. بینش در کتاب روضه الواعظین و بصیره المتعظین

در بین کتاب‌های سیره نگاشته شده در بین سیره نگاران شیعه سه نوع بینش کلامی، تاریخی و تربیتی را می‌توان رصد کرد. بسیاری از کتاب‌هایی که خاص در سیره نگاشته شده‌اند، به جهت مبانی و اصول اولیه کلامی و اعتقادی، هم‌وغم خویش را برای اثبات گزاره‌های کلامی و همچنین تاریخی گذاشته‌اند، اما در میان کتاب‌های سیره نوشته شده در هفت قرن نخست اسلامی نیز مواردی را می‌توان یافت که بینش اولیه کتاب نه بیان عقاید و کلام و اعتقادات شیعه (که هرچند در آن‌ها مبنا قرار گرفته است) بلکه باز نمود سیره تربیتی ایشان است. علی‌رغم اینکه امور تربیتی کاربردی‌ترین هدف در بیان سیره پیامبر (ص) و معصومان علیهم‌السلام است اما کاربست بینش تربیتی در سیر تدوین سیره در بین امامیه جزو آثار به نسبت متأخرتر به حساب می‌آید و از نظر حجم نیز میزان کمتری را به خود در میان آثار سیره نگاری اختصاص داده است؛ شاید یکی از دلایل ضمنی بر این امر آن باشد که سیره در ابتدا نیازمند کسب هویت و مشروعیت و همچنین تبیین تاریخی به واسطه آثار سیره نگاری با بینش کلامی و تاریخی بوده است تا زمینه برای استفاده تربیتی از آن در مرحله بعد فراهم شود. آثار سیره نگاری با بینش تربیتی را در محدوده زمانی این رساله می‌توان دارای شاخصه‌ها و ویژگی‌های چند دانست.

اولین شاخصه مهم در آثار با بینش تربیتی توجه به الگو و الگوسازی از ائمه (ع) در این آثار است. از بنیادی‌ترین راه‌های پرورش و تربیت انسان‌ها در ابعاد فردی و اجتماعی، روش الگوسازی از سوی شارع و الگوپذیری متشرعان است؛ الگویی که نه ساخته و پرداخته رسانه‌های تبلیغاتی به جهت پیشبرد اهداف زودگذر و مادی باشد، بلکه الگوهایی واقعی با مقبولیت الهی و مردمی که منزلت و جایگاه الهی و علمی داشته باشد و مورد قبول عامه حق پذیر نیز واقع گردد. در قرآن به عنوان برترین کتاب تربیتی نیز به این نحوه تربیت انسان‌ها به صراحت بیان شده است و در آیاتی پیامبر گرامی اسلام (ص) را به عنوان اسوه حسنه و شاهد معرفی کرده است^۱ و صفات

^۱ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَ سِرَاجًا مُنِيرًا سوره احزاب، آیات ۴۵-۴۵؛ لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَنَابَهُمْ فَتَحْنَا قَرِيْبًا. سوره فتح، آیه ۸.

و کرامات اخلاقی پیامبر (ص) را به عنوان الگویی تربیتی کامل معرفی کرده است^۱ و به مسلمانان فرمان داده که آنچه را پیامبر (ص) آورده، بپذیرید و آنچه شما را از آن بازداشته، دست بردارید^۲ و از پیامبر و ولی امرتان اطاعت کنید^۳ که این اطاعت باعث رحمت است.^۴ این آموزه‌های قرآنی که در بیان روایات و عقاید کلامی نیز توجه بسیاری به آن شده است، باعث گردیده که سیره نگاران امامیه به مسئله الگو و تربیت انسان مسلمان بر اساس اعتقادات شیعیان اثنی عشری توجه کنند و در آثار خویش به جنبه‌های گوناگون زندگی پیامبر (ص) و معصومان (ع) بپردازند.

شاخصه دیگر آثار دارای بینش تربیتی آن است که ساختار در آن‌ها با ساختار آثار بینش کلامی و تاریخی متفاوت است و به جای عنوان‌های کلامی و تاریخی و توجه به معیارهای پیش گفته در آن‌ها به ساختاری متناسب با بینش تربیتی خود اقدام می‌ورزد؛ این نوع ساختار بیشتر در نتیجه رویکرد موضوع محوری در این آثار به وجود می‌آید و در واقع در این آثار برخلاف دیگر بینش‌ها نگاه موضوع محوری نسبت به شخص محوری تقویت شده و بیشتر رفتارها و سیره فردی - اجتماعی ائمه (ع) مورد دقت قرار می‌گیرد و عنوان‌های دسته‌بندی شده رفتارها برای عنوان بحث‌ها انتخاب می‌شود و در ذیل آن نمونه‌های رفتاری ائمه (ع) به تبع موضوع ذکر می‌شود.

یکی دیگر از معیارهای بینش تربیتی در این آثار توجه به ترویج رفتار و فرهنگ متناسب با دین و مذهب در جامعه است و در نتیجه گفتمان غالب بر این کتاب‌ها گفتمان فرهنگی است. این

^۱ - فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِنْ لَمْ يَأْتِ الْفِتْرَةَ لَآتُفُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ. آل عمران، ۱۵۹؛ لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ. توبه، ۱۲۸. وَ إِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ. سوره قلم، ۴.

^۲ - مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِدَى الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ كَى لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ. سوره حشر، آیه ۷.

^۳ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَ الرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَ أَحْسَنُ تَأْوِيلًا. سوره النساء، آیه ۵۹.

^۴ وَ أَطِيعُوا اللَّهَ وَ الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ. سوره آل عمران، آیه ۱۳۲.

نگاه ترویج فرهنگ طیفی گسترده از رفتارهای فردی و اجتماعی را در برمی گیرد و از مسائلی چون قبح زنا و شرب خمر گرفته تا نحوه رفتار با پدر و مادر و همسایه و فضیلت جهاد و ایثار را شامل می شود.

از نتایج فرهنگ سازی آثار سیره ای با بینش تربیتی در جامعه، ایجاد پیمان های اجتماعی برای استفاده از کارکردهای اجتماعی آن است با این توضیح که انسان ها هنگامی که به صورت اجتماعی زندگی می کنند هر از گاهی به خاطر ایده ای مشترک کنار هم جمع می شوند تا احساس پیوند و همجواری بیشتری کنند. مناسبت ها و یادبودها دقیقاً همین کارکرد را برای جوامع دارند که مورد توجه بسیار نیز واقع می گردد. شیعیان که در طول تاریخ در اقلیت و ضعف قرار داشته اند نیاز بیشتری به این پیمان های اجتماعی و مناسبت ها دارند تا در هنگام این مناسبت ها گرد هم آمده و پیوندهای خویش تأکید ورزند و انسجام خویش را حفظ کنند. البته ایجاد بسیاری از این پیمان ها و مناسبت ها با در نظر داشت این کارکرد به صورت ناآگاهانه بوده است و از آنجاکه به واسطه تکرار فوایدی را برای آن رفتار مترتب دیده اند به مرور زمان آن را تبدیل به یک سنت اجتماعی کرده اند. مقوله های چون زیارت، مقتل خوانی در چارچوب همین مناسبت ها و فرهنگ سازی اجتماعی و پیمان های مذهبی و دینی مورد استفاده قرار می گیرد و به نحوی باعث ترویج مذهب شده و زمینه را برای القای دیگر رفتارهای اجتماعی متناسب نیز مهیا می کند. از مزایای مهم توجه به مناسبت ها و پیمان های اجتماعی در مذاهب مانند زیارت و مقتل خوانی و بزرگداشت یاد و خاطره بزرگان مذهبی کمک به زنده داشتن و بقای مذهب هست و از این جهت می توان کارکردی اساسی و حیاتی برای آن تعریف کرد.

با این توضیحات به نظر می رسد که کتاب های سیره نگاشته شده با بینش تربیتی از نظر تمدنی نیز بسیار مهم هستند و یکی از مهم ترین منابع اخذ آموزه و رفتار فردی و اجتماعی متناسب با دین و مذهب به شمار می روند و در مطالعات تمدن سازی کاربرد ویژه ای دارند که متأسفانه از این بعد چندان مورد توجه واقع نشده اند.

کتاب محمد بن حسن فتال نیشابوری (۵۰۸ ق) از معدود کتاب هایی است که در قرون مورد اشاره این طرح توسط شیعیان، با بینش تربیتی نگاشته شده است. در این کتاب هر چند فتال سعی کرده که به ترتیب به اصول و فروع دین و مذهب شیعه اثنی عشری، با استفاده از آیات و روایات و سیره معصومان (ع) بپردازد، اما کتاب دارای مشخصاتی است که بینش تربیتی را در آن محور قرار می دهد.

اولین مشخصه بینش تربیتی این کتاب همانا عنوان کتاب است که روضه‌ای برای واعظین و بصیرتی برای متعظین خوانده شده است (فتال نیشابوری، ۵) و درواقع دو گروه را به‌عنوان خوانندگان هدف قرار داده است؛ یکی مردمانی که به وعظ و پند و اندرز نیاز دارند و دیگری کسانی که می‌خواهند به پند و اندرز بپردازند. درواقع عنوان کتاب دو گروه مروج رفتار و فرهنگ و تأثیرپذیران از آن را موردتوجه قرار می‌دهد که این دو از ارکان اصلی در عملکرد روش تربیتی در جامعه به شمار می‌روند. مشخصه دیگر در بینش تربیتی کتاب، در بیان مقدمه فتال در ابتدای کتاب آمده است؛ فتال می‌گوید که:

برای من در آغاز جوانی مجالس و محافلی بود که مردم از اصول دین و بیان احکام و فروع می‌پرسیدند و به آنان پاسخ کافی و توضیح وافی می‌دادم؛ سپس از من خواستند تا در زهد و پارسایی و پند و اندرز بازدارنده از گناه و حکمت و آداب برای ایشان سخن بگویم؛ به کتاب‌های اصحاب خود (علمای شیعه) مراجعه کردم و میان آثار ایشان کتابی ندیدم که شامل این موارد باشد و محور اصلی آن بر این امور باشد، بلکه این امور را در کتاب‌های مختلف ایشان پراکنده دیدم، به همین سبب همت نموده، کتابی فراهم ساختم که برخی گفتار الهی را در بر داشته و بخشی از گزینه اخبار پیامبر (ص) و جواهر گفتار ائمه (ع) را در برگرد و...، پیش از من هیچ‌یک از اصحاب ما کتابی مانند این تألیف نکرده‌اند، زحمت تهیه چنین کتابی (بی پیشینه و سابقه) بیشتر است. (همان)

در بیان فوق فتال به‌صراحت هدف خویش را از تألیف کتاب، استفاده از سیره و اخبار پیامبر (ص) و ائمه هدی (ع) در جهت تربیت مردم و برای پاسخگویی به نیازهای آنان در زندگی روزمره و تطبیق آن با حیات کسانی که از دید ایشان به‌عنوان الگو مطرح هستند، می‌داند. فتال در اینجا به‌ضرورت وجود الگو برای مردم اشاره می‌کند و به بنیادی‌ترین روش‌های تربیتی انسان‌ها دست می‌یازد و ضرورت نگارش کتابش را به همین مقوله مرتبط می‌کند که از شاخصه‌های اصلی کتاب‌های تربیتی است. نکته جالب در سخنان فتال در این بخش مقدمه آن است که او نیز در این دوره زمانی به نبود آثار سیره‌ای با بینش تربیتی در دورانی قبل از خودش اشاره می‌کند و آن را بی پیشینه می‌داند، همین مسئله نشانگر عدم توجه نویسندگان پیش از فتال به بینش تربیتی است و کار فتال را به‌عنوان اولین کارها در این رابطه تبدیل می‌کند که

می‌توانست به‌عنوان نمونه برای آثار پس‌از آن مطرح شود.

مشخصه بارز دیگر در محوریت بینش تربیتی در این کتاب ساختار کتاب و موضوعات عمده مجالس آن است؛ از ابتدای کتاب تا کمتر از نصف آن، فتال به بیان سیره و تاریخ بزرگان و ائمه امامیه (ع) می‌پردازد و آن را بر اساس بیان روایت‌ها در ذیل هر مجلس برای هر امام پیش می‌برد. در بقیه کتاب تا پایان آن نیز به روایات و سیره زندگی ایشان توجه دارد، اما عناوین، عناوینی است که بیشتر به مباحث اخلاقی و تربیتی که بر رفتارهای روزمره و تربیت مردم تأثیرگذار هستند، می‌باشد و روایات و سیره و اخبار ائمه (ع) بر اساس این محورهای عملی و اخلاقی مانند امر به معروف و نهی از منکر، (همان، ۳۴۵، ۳۵۰، ۳۶۳ و ...) و جهاد (همان، ۳۹۶) و حج (همان، ۳۹۳) و صوم (همان، ۳۷۰ و ۳۸۱) و بیان عواقب کسانی که آن‌ها را ترک می‌کنند. یا در حقوق فرزند بر پدر و یا پدر بر فرزند، (همان، ۴۰۰ و ۴۰۳) در حقوق برادران، نزدیکان و همسایگان بر یکدیگر و نحوه تعامل باهم (همان، ۴۲۳) رد امانت، (همان، ۴۰۸) و نیکی ازدواج (همان) و یا در بیان خصلت‌های انسانی مانند فروبردن خشم، (همان، ۴۱۵) تواضع و عدم تکبر، (همان، ۴۱۷) مخالفت نفس و هوی، (همان، ۴۹۵) در فضل صبر، (همان، ۴۶۲) نصیحت‌پذیری و دوری از حسد، (همان، ۴۶۴) توکل بر خداوند در امور، (همان، ۴۶۶) زهد و تقوی، (همان، ۴۷۱) حیاء (همان، ۵۰۳) و یا پرهیز از برخی از منکرات فردی و اجتماعی مانند پرهیز از ظلم، (همان، ۵۱۰) شرب خمر، گرفتن و دادن ربا، (همان، ۵۰۸) دوری از قتل نفس و زنا (همان، ۵۰۵) بیان شده‌اند. فتال با این ساختار کتاب خویش یک‌باره توانسته است ساختار موردتوجه سیره نگاران پیش از خود را دگرگون کند و به‌جای آنکه به شخص ائمه (ع) به ترتیب بپردازد و هر شخص را محور مباحث خویش کند، موضوعات مهم از رفتار ائمه (ع) را به‌عنوان بدل کرده و ساختار کتاب خویش را بر اساس آن پی‌ریزی کرده و موضوع محوری را به‌جای شخص محوری نهاده است. فتال با این اقدام خویش به دسته‌بندی روایات ذیل عنوان‌های موضوعات اخلاقی و تربیتی پرداخته و استفاده شیعیان ائمه (ع) را از ائمه (ع) سهل و آسان ساخته و جنبه کاربردی کتاب را به‌شدت افزایش داده است.

نتیجه گیری

کتاب روضه الواعظین در این مقاله از نظر روشی کتابی منطبق با روش روایی دانسته شد، متأسفانه در این کتاب علی‌رغم آنکه به روش روایی نوشته شده است اما از بیان سلسله سند خویش ابا ورزیده است زیرا که از نظر فتال بیان اسناد اخبار معروف و رایج ضروری نیست. به نظر می‌رسد که همین نحوه برخورد وی با اسناد دلیل اصلی عدم توجه سیره نگاران پس از وی به این کتاب شده است و این کتاب نتوانسته جایگاه خویش را در این بین بیابد. از نظر بینش این کتاب کتابی بر اساس بینش تربیتی دانسته شد؛ بینش تربیتی به عنوان مهم‌ترین بینش کاربردی ولی کم‌توجه در محدوده قرن‌های متقدم‌تر است، مهم‌ترین نشانه‌های بینش تربیتی در اثر فوق بنای ساختار آن است که بر اساس مباحث تربیتی و اخلاقی سامان یافته و حتی عنوان مجالس را بر قسمت‌های کتاب خویش نهاده که تداعی‌کننده مجالس وعظ و خطابه است؛ در این بینش سیره نگار سعی دارد تا بایبان سیره اخلاقی و تربیتی ائمه (ع) پاسخگویی نیازهای مردم عامی در این رابطه باشد و ایشان را به تطبیق رفتار خویش با ائمه (ع) به عنوان الگوهای اصیل ارشاد نماید. در این بینش توجه به واقعه عاشورا به جهت تحریک همدلانه شیعیان با جریان عاشورا از نقاط برجسته به حساب می‌آید هرچند که این نگاه در اواخر قرن هفتم بروز داشته اما از تأثیرگذارترین اقدامات فرهنگی و تربیتی سیره نگاری تا دوران معاصر است و نقش پررنگی حتی در بیان هویت شیعه یافته است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، معالم العلماء، نجف، مطبعه الحیدریه، ۱۳۸۰ ق.
۳. تهرانی، آقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۶ ق.
۴. حاکم نیشابوری، تاریخ نیشابور، ترجمه محمد بن حسن خلیفه نیشابوری، تصحیح محمدرضا شفیع کدکنی، تهران، ۱۳۷۵ ش.
۵. سجادی، صادق و عالم زاده، هادی، تاریخ نگاری در اسلام، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چ ۴، ۱۳۸۰ ش.
۶. قتال نیشابوری، ابوعلی محمد بن حسن، روضه الواعظین و بصیره المتعظین، تصحیح و تعلیق الشیخ حسین الاعلمی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۶ ق.
۷. هدایت پناه، محمدرضا، منابع تاریخی شیعه، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۳ ش.